

Sourceology and Validation of Medical Prayers

Esmaeil Esbati * 

Assistant Professor of Islamic Philosophy and
Kalam, Allameh Tabataba'i University, Tehran,
Iran

Abstract


Shiite narrative and prayer sources are full of pithy prayers issued by the infallible (Imams). Some of these prayers are offered to ask God to solve problems and troubles, especially the healing of diseases. But there must be a reason for attributing anything to the Imams. Assessing the validity of sources and narration books is one of the ways to check the validity of hadiths and prayers. Identifying books and sources of medical prayers is the first step to accessing and using these valuable works. This article uses library resources and descriptively-analytically recognizes the most important sources of medical prayers and validates them. First, we have introduced the sources that have dedicated a special chapter to this subject throughout history in the field of prayer or hadith collection. Then the most famous and extensive books of prayer and narration "Mafatih Al-Jannan and Bihar Al-Anwar" have been studied and the sources used by them have been extracted. The results of examining the sources of these two books are almost identical. The book "Teb al-Aemeh (AS)" by Abdullah and Hussein Ibn Bastam and Makarem al-Akhlaq by Tabarsi are the main sources of medical prayers, which unfortunately do not have enough credibility. But many healing prayers are mentioned in prayer sources, and by collecting them, a collection of authentic medical prayers can be donated to the devotees of the Ahl al-Bayt (AS).

Keywords: Medical Prayers, Typology, Book identification, Validation, Prayer Sources.

* Corresponding Author: esbati@atu.ac.ir

How to Cite: Esbati, E. (2020). Sourceology and Validation of Medical Prayers. *Seraje Monir*, 11(39), 9-34. Doi: 10.22054/ajsm.2021.60791.1700

منبع‌شناسی و اعتبارسنجی دعاهای طبی

اسماعیل اثباتی *  استادیار فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

چکیده

منابع روایی و دعایی شیعه انباشته از دعاهای پر مغزی است که از سوی معصومین (ع) صادر شده است. گونه خاصی از این دعاها - به منظور درخواست از خدا برای حل مشکلات و گرفتاری‌ها - به‌خصوص مداوای بیماری‌ها بیان شده است. اهمیت این دعاها بر کسی پوشیده نیست، اما برای انتساب هر مطلبی به معصومین (ع) باید دلیلی وجود داشته باشد. یکی از راه‌های بررسی اعتبار نسبی مطالب نقل شده، سنجش میزان اعتبار منبع و کتابی است که دعا یا روایت در آن ذکر شده است. از این رو، شایسته است در خصوص مهم‌ترین منابع دعاهای طبی شناخته شده با توجه به اعتبار منبع درباره میزان اعتبار آن‌ها، اظهارنظر کلی صورت گیرد. علاوه بر این، آشنایی با منابع و مأخذ دعاهای طبی اولین مرحله برای دسترسی به این میراث ارزشمند و بهره‌برداری از آن است. این نوشتار با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و به صورت توصیفی - تحلیلی به بازشناسی مهم‌ترین منابع دعاهای طبی و اعتبارسنجی آن‌ها می‌پردازد. برای این منظور، ابتدا منابعی که در طول تاریخ در گستره دعانگاری یا جمع‌آوری حدیث، باب خاصی به این موضوع اختصاص داده‌اند، معرفی شده‌اند، سپس مشهورترین و گسترده‌ترین منابع دعایی و روایی معاصر؛ یعنی مفاتیح‌الجنان و بحارالانوار مورد بررسی قرار گرفته و منابع مورد استفاده آن‌ها استخراج شده است. نتیجه بررسی منابع این دو کتاب تقریباً یکسان است. بر این اساس دو کتاب طب‌الائمه (ع) اثر عبدالله و حسین بن بسطام و مکارم‌الاخلاق اثر طبرسی در زمره اصلی‌ترین منابع دعاهای طبی است که متأسفانه از اعتبار کافی برخوردار نیستند. این در حالی است که بسیاری از دعاهای شفابخش لابلای کتاب‌های حدیثی و دعایی آمده است که با جمع‌آوری آن‌ها می‌توان مجموعه‌ای از دعاهای معتبر طبی را به مشتاقان معارف اهل بیت (ع) اهدا کرد.

واژگان کلیدی: دعاهای طبی، گونه‌شناسی، منبع‌شناسی، اعتبارسنجی، کتاب‌های دعا.

مقدمه

«دعا» یکی از نعمت‌های بزرگ الهی بوده و از چنان جایگاهی در دین برخوردار است که معصومین (ع) آن را به عنوان هسته اصلی همه عبادت‌ها (قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۷: ۱۸) و نشانه‌ای از عقل و یکی از لشکریان عقل دانسته‌اند (کلینی، ۱۳۶۳: ۲۳/۱).

در دعا حالت نیاز و احساس عجز بنده و نیازمندی او به خدای قادر نهفته است و از این رو در شرایطی که انسان احساس عجز بیشتری می‌کند، تمایل بیشتری به دعا دارد و توصیه شده در این اوقات به دعا متوسل شویم. پیش‌آمدهای ناگوار و بیماری‌ها یکی از مواردی است که عجز انسان را بیشتر نمایان می‌کند به طوری که امام صادق (ع) می‌فرماید: «علیک بالدعاء فإنه شفاء من کل داء: بر تو باد به دعا همانا دعا شفای هر بیماری است» (همان). امام کاظم (ع) نیز تمایل به دعا هنگام بیماری و بلا را از نشانه‌های پایان بیماری و بلا دانسته و توصیه می‌کنند هنگام گرفتاری دست نیاز به سوی خدا دراز کنیم که همین امر موجب تسریع در رفع گرفتاری می‌شود (همان). از این رو، شایسته است به مسأله دعا هنگام بیماری‌ها و دعاهایی که بهتر است در این زمان‌ها خوانده شود، توجه صورت گیرد. در این زمینه، دعاهایی از سوی معصومین به اصحاب تعلیم شده و در اختیار ما قرار گرفته است. برای استفاده بهتر از این بخش از معارف ارزشمندی که از طریق معصومین به دست ما رسیده، لازم است ابتدا گونه‌های مختلف دعا‌های طبی معرفی شده و مهم‌ترین کتاب‌هایی که این ادعیه را دربر دارند، معرفی شوند تا دستیابی به آن‌ها راحت‌تر شود. همه کتاب‌هایی که به جمع‌آوری این دعاها پرداخته‌اند به یک شیوه عمل نکرده و در یک درجه از اعتبار و اتقان نیستند. از این رو، در این نوشتار ابتدا به معرفی مهم‌ترین منابع دعا‌های طبی در میان منابع روایی و دعایی شیعه پرداخته شده و پس از آن به صورت کلی درباره میزان اعتبار این منابع سخن به میان می‌آید.

۱. گونه‌شناسی دعا‌های طبی

یکی از حیطه‌های زندگی بشری که در روایات به آن توجه شده، حیطه روایات طبی است. روایات مرتبط با سلامت جسم و پیشگیری و درمان بیماری‌ها را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد؛ دسته‌ای از این روایات با بهره‌گیری از امور مادی مانند داروهای گیاهی یا اصلاح بعضی از رفتارها درصدد کمک به سلامت جسم و روان انسان‌ها است که با

عنوان روایات طبّی از آن‌ها یاد شده است. دسته دیگری از این روایات، راهکارهای معنوی را برای سلامتی پیشنهاد کرده‌اند؛ مانند دعا کردن و خواندن قرآن، تکرار کردن یک ذکر و... این دسته از روایات را می‌توان به عنوان «دعاهای طبّی» نامید. دعاهای طبّی شامل گونه‌های متعددی هستند که در ادامه تشریح خواهند شد.

۱-۱. دعاهای کلی

درباره بعضی از دعاها بیان شده است که خواندن این دعا برای حل مشکلات و گرفتاری‌ها مفید است و در بعضی از آن‌ها اشاره شده که خواندن این دعا برای درمان بیماران مفید است. به عنوان نمونه امام باقر (ع) فرمود وقتی انسان بیمار شد، بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ صِ أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَأَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللَّهِ عَلَيَّ مَا يَشَاءُ مِنْ شَرِّ مَا أُجِدُّ» (کلینی، ۱۳۶۳ ش)

۱-۲. دعاهای مربوط به بیماری‌های خاص

در بعضی از روایات، دعاهای مخصوصی برای درمان بیماری‌ها توصیه شده است. به عنوان مثال، از امام صادق (ع) روایت شده که برای رفع چشم درد بعد از نماز صبح و مغرب این دعا خوانده شود: «اللهم إني أسألك بحق محمد وآل محمد أن تصلي علي محمد وآل محمد، وأن تجعل النور في بصرى والبصيرة في دینی واليقين في قلبی والاخلاص في عملي والسلامة في نفسي والسعة في رزقي والشكر لك أبدا ما أبقيتني» (طبرسی، ۱۳۹۲ ق).

۱-۳. حرزها و تعویذها

برخلاف اقسام قبلی دعاها که فرد بیمار یا اطرافیان او با خواندن دعا و درخواست از خداوند در پی درمان بیمار هستند، حرزها و تعویذها باید همراه بیمار نگاه داشته شوند. در مواردی عباراتی که در آن‌ها آمده است به گونه‌ای نوشته شده که قابل خواندن نیست یا معنا و مفهوم مشخصی ندارد و شامل عبارات، حروف، اعداد و شکل‌هایی نامفهوم است. به نظر می‌رسد در این موارد درخواست فرد از خدا باعث رفع بیماری نمی‌شود، بلکه عبارات به کار رفته در حرز دارای اثری وضعی دانسته شده‌اند که همراه داشتن آن

خودبه‌خود به رفع مشکل یا پیشگیری از آن کمک می‌کند. چنان که برای تسهیل تولد فرزند نقل شده که برخی آیات نوشته و بر پای چپ مادر بسته شود (همان).
در این نوشتار گونه اول و دوم از دعاهای طبی مورد توجه قرار گرفته و تاکید بیشتر بر گونه دوم است و برای این منظور، ابتدا مهم‌ترین منابعی که دعاهای طبی را در خود جای داده‌اند، معرفی می‌کنیم.

۲. جایگاه دعاهای طبی در منابع روایی و دعایی شیعه

در میان منابع روایی و دعایی کمتر کتابی یافت می‌شود که به صورت اختصاصی به موضوع دعاهای طبی پرداخته باشد. این روایات و دعاها معمولاً لابلای کتاب‌های دعا و روایت آمده و برخی از منابع هم باب خاصی را به آن‌ها اختصاص داده‌اند که با مهم‌ترین آن‌ها براساس ترتیب تاریخی آشنا می‌شویم.

۲-۱. صحیفه سجادیه

در دو مورد از دعاهای صحیفه سجادیه به مساله بیماری‌ها و دعاهای درخواست عافیت و سلامتی به طور خاص پرداخته شده است؛ یکی در دعای پانزدهم با عنوان «دعاوه عند المرض» که امام پس از شکر بر سلامتی و شکر به خاطر بیماری و مصلحت‌هایی که در آن وجود دارد در نهایت عافیت و سلامتی را از خدا درخواست می‌کند (امام سجاد (ع) ۱۴۱۸ق). در دعای بیست و سوم با عنوان «اذا سال الله العافیة و شکرها» نیز امام از خداوند سلامتی و نعمت‌های معنوی مانند زیارت قبر پیامبر و حج را درخواست می‌کند و از شر شیطان و جانوران زهردار و سایر جانوران و پادشاه ستمگر و شر بزرگ و کوچک به خدا پناه می‌برد و در ادامه می‌فرماید: «خدایا هر کس قصد بدی با من دارد از من منصرفش کن و در مقابل او سدی قرار ده تا چشمش را از دیدن من کور و گوشش را از شنیدن یاد من کرسازی» (همان).

۲-۲. «المحاسن» احمد بن محمد بن خالد برقی (د. ۲۷۰ق)

برقی باب جداگانه‌ای به این موضوع اختصاص نداده است. تنها در خلال بعضی از روایات به نکاتی اشاره شده است؛ به عنوان مثال، در کتاب ثواب الاعمال درباره ثواب گفتن

بعضی از اذکار، پیشگیری از ابتلا به بیماری‌ها (برقی، ۱۳۳۰ش) یا درمان بعضی از بیماری‌ها بیان شده است (همان).

۲-۳. «الکافی» محمد بن یعقوب کلینی (د. ۳۲۹ ق)

کتاب الدعاء یکی از بخش‌های اصلی کتاب الکافی است و سه باب مهم در این بخش به موضوع دعاهای طبی اختصاص دارد. در باب «ان الدعاء شفاء من کل داء» تنها یک روایت نقل شده که بر نقش ویژه دعا در درمان بیماری‌ها تأکید می‌کند (کلینی، ۱۳۶۳). باب «الدعاء للعلل و الامراض» در این باب ۱۹ روایت نقل شده که در آن‌ها ائمه دعاهایی برای درمان بیماری به اصحاب آموخته‌اند. این دعاها بیشتر به صورت دعای کلی برای درمان بیماری‌ها بوده و برای درمان هر بیماری، دعای خاصی نقل نشده است (همان). با توجه به اینکه شیخ کلینی سند روایات را نقل کرده است امکان بررسی سندی این روایات وجود دارد. به عنوان نمونه از ۱۹ روایت باب «الدعاء للعلل و الامراض» ۱۰ روایت از طریق محمد بن یحیی از احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی که فردی موثق و بزرگ شیعیان قم در روزگار خود بود نقل شده و او با سندهای گوناگون از ائمه آن‌ها را نقل کرده است. ۵ مورد از این روایات را علی بن ابراهیم قمی که از شیعیان مورد اعتماد است از پدرش و او از طرق گوناگون از ائمه نقل کرده است. بر این اساس، اطمینان نسبی درباره سندهای این روایات وجود دارد. علاوه بر آن، مضمون روایات هم درباره درخواست رفع بیماری از خداست و منافاتی با معارف اسلامی ندارد.

باب «الحرز و العوذه» در این باب ۱۴ روایت نقل شده که شامل دعاها، تعویذها و حرزهایی برای در امان ماندن از شر حیوانات درنده، مار، عقرب و دوری از ترس، وحشت و گرفتاری است (همان). از بین ۱۴ روایت این باب نیز تقریباً همه روایات بجز یک مورد (روایت ۱۰) دعاهایی است که ائمه به اصحاب آموزش داده‌اند تا در برخورد با مشکلات یا در امان ماندن از شر حیوانات و ترس و وحشت آن‌ها را بخوانند و برای بعضی از آن‌ها هم توصیه شده در زمان خاصی مانند غروب آفتاب، شب، بعد از نمازهای واجب یا در مواجهه با درندگان خوانده شوند.

تعویذها و حرزهای موجود در این بخش تقریباً همگی دعاهایی هستند که در آن دعا شخص مضمون خواسته خود را از خدا می‌طلبد. به عبارت دیگر، اثربخشی دعا به نوعی

متاثر از درخواستی است که فرد مطرح می‌کند و توجه و عنایت خاص خدا به آن درخواست. هر چند الفاظ این دعاها هم از جانب معصومین انشاء شده است، اما در این دعاها، خواسته شخص مطرح می‌شود. به عبارت دیگر، علت تاثیر دعا، خاصیت ویژه مربوط به لفظ دعا و یا ذکر و عدد و حروف نیست.

۲-۴. «فقه‌الرضا» (ع) قبل از قرن ۵

مؤلف کتاب فقه‌الرضا (ع) ناشناخته است و احتمالات گوناگونی درباره نویسنده آن مطرح شده است. به احتمال بسیار این کتاب قبل از قرن ۵ تدوین شده و از آن علی بن موسی بن بابویه، پدر شیخ صدوق است که به علت مشابهت با نام علی بن موسی الرضا (ع) به امام رضا (ع) منسوب شده است (طباطبایی، ۱۳۹۰).

مؤلف، بابی با عنوان «باب الطب» (ابن بابویه، ۱۴۰۶ق) آورده و پس از آن «باب الادویه الجامعه بالقرآن» را در کتابش گشوده و در آن روایاتی درباره استشفاء با قرآن نقل کرده است (همان). سپس به «باب فضل الدعاء» پرداخته است. این باب با ذکر دعاهایی درباره لزوم دعا برای رفع بیماری‌ها شروع می‌شود؛ مانند: «لکل داء دواء فاذا الهم العلیل الدعاء فقد اذن فی شفائه». اما پس از آن به بیان اثر درمانگر تربت امام حسین (ع)، آب زمزم، حبه سوداء، عسل، شکر، آب جوشیده، آب سرد و ... می‌پردازد (همان).

کتاب فقه‌الرضا از مولفی ناشناخته و به صورت وجاده‌ای^۱ به دست آمده که اعتماد به آن را از بین می‌برد. علاوه بر آن، روایات موجود در آن بدون سند گزارش شده‌اند و روایات مربوط به دعاهای طبی در آن اندک است. بیشتر روایات این ابواب در کتاب

^۱ - نقل از کتاب نیز مانند نقل روایت نیازمند سند است. تنها کسی مجاز به نقل از کتاب است که کتاب را با طریقی معتبر به دست آورده باشد که اطمینان نسبت به کتاب حاصل شود؛ مانند اینکه کتاب را از استادش دریافت کرده باشد. اگر کسی کتابی را به دست آورده مانند اینکه در کتابخانه‌ای کتابی یافته که روی جلد آن نوشته این کتاب از فلان شخص است، این طریق را وجاده گویند. در این صورت اطمینان نسبت به انتساب کتاب به مؤلف وجود ندارد، مگر در کتاب‌های مشهور و در عصر حاضر که با تکثیر نسخه‌ها این اطمینان حاصل می‌شود. برای اطلاعات بیشتر در این باره و نظر علمای مختلف درباره وجاده و میزان اعتبار آن به کتاب نفیسی با عنوان «درایه الحدیث (بازپژوهی مصطلحات حدیثی در نگاه فریقین)» رجوع شود.

مکارم الاخلاق نیز آمده و برخی از آن‌ها هم در کافی و آثار شیخ صدوق و... ذکر شده است.

۲-۵. «طب‌الائمه» عبدالله و حسین فرزندان بسطام بن سابور (شاپور) زیات

در کتاب طب‌الائمه علاوه بر روایات متعدد طبی در زمینه پیشگیری، درمان بیماری‌ها و خواص خوراکی‌ها و برخی اعمال طبی مانند حجامت و... دعاهایی در زمینه درمان برخی از بیماری‌ها به چشم می‌خورد. از ویژگی‌های خاص این کتاب، نقل دعاهای خاصی برای درمان هر یک از بیماری‌ها است. به عنوان نمونه، دعاهایی برای درمان سردرد، درد شکم، ضعف چشم و... نقل شده است. کل روایات این کتاب ۳۷۵ مورد است.

نجاشی به نقل از ابن عیاش، حسین و عبدالله (ابوعتاب) را فرزندان بسطام بن سابور زیات معرفی می‌کند که کتابی کثیر الفوائد در طب را جمع‌آوری کرده‌اند. ابن عیاش (د. ۴۰۱ق) با دو واسطه این کتاب را روایت کرده است. عبارتی که نشان دهد نجاشی این کتاب را دیده یا در اختیار داشته است به چشم نمی‌خورد. همچنین وی (نجاشی) این دو نفر را توثیق نکرده است (نجاشی، ۱۴۱۶ق).

ابوالحسین بسطام بن سابور زیات واسطی از موالی و فردی ثقه است و برادرانش زکریا و زیاد و حفص همگی ثقه‌اند و از امام صادق و امام کاظم (ع) نقل می‌کنند. او کتابی داشته که جماعتی آن را نقل کرده‌اند و از طریق علی بن اسماعیل از صفوان (درمجموع با ۵ واسطه) به دست نجاشی رسیده است (همان). عجیب است که نجاشی با اینکه از بسطام و برادرانش یاد کرده، نامی از فرزندان او به میان نمی‌آورد. نجاشی از شخص دیگری با نام بسطام بن سابور صاحب کتابی یاد کرده است (همان). علامه مجلسی مولف طب‌الائمه را مجهول می‌داند، اما از آنجا که در مسائل مربوط به احکام نیست، بیان می‌کند که در این مسائل نیازمند سند قوی نیستیم (مجلسی، ۱۴۰۳ق).

بسطام بن سابور را از اصحاب امام صادق و امام کاظم (ع) دانسته‌اند (نجاشی، ۱۴۱۶ق). حسن انصاری بر این باور است که نجاشی تنها به استناد سخن ابن عیاش عبدالله و حسین را فرزندان بسطام دانسته است و هیچ قرینه و شاهد دیگری این ادعا را تأیید نمی‌کند. علاوه بر این در کتاب اشاره شده، روایتی از بسطام یا سایر برادرانش نیامده است. در این کتاب از احمد برقی نیز روایاتی نقل شده است و همه این موارد نشان

می‌دهد دلیلی بر اینکه این دو نفر از فرزندان بسطام باشند، وجود ندارد. نام این افراد جز در رجال نجاشی در منابع دیگری نیامده و حتی طبرسی در مکارم‌الاخلاق با اینکه از کتاب نقل می‌کند از آن‌ها نام نبرده است. آشفته‌گی‌های دیگری نیز در این کتاب به چشم می‌خورد و نشانه‌هایی از انتساب کتاب به میراث غالیان در کتاب به چشم می‌خورد.^۱ ابن عیاش جوهری (متوفی ۴۰۱) که تنها واسطه درباره اطلاعات مربوط به کتاب و نویسندگان آن‌ها است، فردی کثیرالروایه است که در اواخر عمر دچار اختلال حواس شده و به همین دلیل شیخ طوسی به او اعتماد نمی‌کند (طوسی، ۱۴۱۷ق). نجاشی نیز که او را دیده می‌گوید «وی دوست من و پدرم بود و عالم بود ولی چون اصحاب او را تضعیف می‌کردند از او نقل نمی‌کنم» (نجاشی، ۱۴۱۶). فاصله ابن عیاش با فرزندان بسطام بن سابور (متوفی قبل از ۲۰۰)، چراکه از اصحاب امام صادق (ع) (۱۴۸ق) و امام کاظم (ع) (۱۸۳ق) بوده است) نزدیک دو قرن است و او با دو واسطه نمی‌توانسته از آن‌ها نقل کند.

نقدهای فراوانی به کتاب طب‌الائمه وارد شده است که در مجموع می‌توان آن‌ها را در ۶ مورد خلاصه کرد: ۱- ناشناخته بودن مولف، ۲- وجود نداشتن یک طریق معتبر برای دسترسی به کتاب، ۳- آشفته‌گی بسیار اسناد روایات کتاب، ۴- ناشناخته بودن بسیاری از روایان موجود در کتاب، ۵- استفاده از اصطلاحات مربوط به غالیان و ۶- نقل روایت از غالیانی مانند ابوالخطاب.^۲

۲-۶. «المهذب» قاضی ابن براج (۴۸۱ ق)

عبدالعزیز بن براج طرابلسی در بخش «کتاب الطب و الاستشفاء» از کتاب فقهی المهذب، بعضی از خواص خوراکی‌ها، درمان برخی از بیماری‌ها و به ندرت دعا‌های طبی را ذکر کرده که بخشی از آن، مفاهیم مستخرج از روایات است و در بخشی از آن عین متن ذکر شده است (ابن براج، ۱۴۰۶ق). در همین دوره «مِصْبَاحُ الْمُتَهَجِّدِ وَ سِلَاحُ الْمُتَعَبِّدِ» یا «المِصْبَاحُ الْكَبِيرُ» که یکی از مهم‌ترین کتاب‌های دعایی شیعه به‌شمار می‌رود به دست شیخ طوسی (۴۰۶) نوشته می‌شود، اما در آن باب خاصی به این موضوع اختصاص

^۱- برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به: انصاری (۱۳۸۶)

^۲- برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به: مهدی مهریزی طرقي و جواد فتحی اکبرآبادی (۱۳۹۶)

نمی‌یابد. او در جوامع احادیث فقهی خود مانند تهذیب و استبصار نیز به این موضوع نپرداخته است.

۲-۷. «مکارم‌الاخلاق» طبرسی (د. ۵۴۸ق)

ابو نصر حسن بن فضل طبرسی از خاندان دانشمند طبرسی است. پدرش فضل، صاحب مجمع‌البیان و اعلام‌الوری است و فرزندش علی صاحب مشکاة‌الانوار (که در تکمیل کتاب مکارم نوشته شده) است. او در این کتاب از کتاب الاداب‌الدینیة پدرش بهره برده است (مدخل دانشنامه جهان اسلام) و دهمین باب کتاب درباره آداب دعا و باب یازدهم به آداب مریض و درمان آن پرداخته است.

نویسنده در ابتدای باب یازدهم می‌نویسد: «این باب برگرفته از کتاب طب‌الائمه (ع) و مجموعه دعاهایی است که پدرم (که خدا عمرش را دراز گرداند) جمع‌آوری کرده است (طبرسی، ۱۳۹۲). این باب شامل پنج فصل است: فصل اول درباره آداب مربوط به بیمار و عیادت‌کننده و علاج بیماری است (همان). فصل دوم؛ استشفاء با قرآن که در این فصل، وی روایاتی درباره شفادهنده بودن قرآن و خواص درمانی بعضی از سوره‌ها و آیات ذکر کرده سپس به برشمردن بیماری‌ها و بیان روش درمان قرآنی آن‌ها پرداخته است. بیماری‌هایی مانند: تب، درد چشم، درد گوش، درد دندان و... (همان). فصل سوم؛ استشفاء با صدقه، دعا و نماز که در این فصل ابتدا به موضوع صدقه و دعا پرداخته و روایاتی درباره دعای مریض در حق خودش و دعای دیگران برای مریض نقل می‌کند (همان) و پس از آن دعاهای مربوط به بیماری‌های خاص شروع می‌شود (همان). در ادامه نمازهایی را برای درمان بیماری‌ها گزارش کرده است؛ از جمله نمازی برای رفع همه بیماری‌ها و نمازهایی برای رفع تب، درد چشم، درد سینه، قولنج، درد پا و... (همان). فصل چهارم و پنجم نیز به حرزهایی اختصاص دارد که برای درمان بیماری‌ها و رفع مشکلات به کار برده می‌شود (همان).

در کتاب طب‌الائمه (ع) برای اولین بار در یک کتاب حدیثی یک باب مفصل به آداب و دعاهای مربوط به درمان بیماری‌ها، پرداخته شده است. پس از این کتاب توجه به مساله بیماری‌ها و دعاهای مربوط به آن بیشتر شده و در کتاب‌های دعا، ابواب خاصی به آن اختصاص یافته است. همانگونه که نویسنده تصریح کرده از کتاب طب‌الائمه (ع) در

تدوین کتابش بهره برده است. وی در زمره نخستین کسانی است که به این کتاب اعتماد کرده و به تفصیل روایات آن را در کتابش نقل کرده است. از این رو، دروازه ورود روایات طب الائمه (ع) به منابع روایی و دعایی شیعه محسوب می‌شود. گذشته از آن در این کتاب از حرزها و طلسمات برای درمان بیماری‌ها استفاده شده است.

طبرسی نشان داده است که در این موضوع سند روایت یا منبع نقل آن برایش چندان اهمیتی ندارد و حتی برایش مهم نیست که این کار دلیل شرعی داشته یا دلیل تجربی! به عنوان نمونه می‌نویسد: «فردی که تباردار است در سه قطعه کاغذ به صورت ناخوانا بنویسد «باسم الله ذی العز و الکبرياء و النور» هر روز یک کاغذ را میچاله کرده و بخورد. او دلیل این تجویز را چنین بیان می‌کند که فردی به نام امام حسن سمرقندی به این کار مداومت می‌ورزید و جمعه‌ها آن را می‌نوشت گویا برای آن سندی یافته بود» (همان).

در مواردی هم به استناد تجربه، مواردی را به عنوان روش درمان مطرح می‌کند چنان که می‌نویسد برای رفع شکم درد هفت بار سوره حمد خوانده شود که خوب و مجرب است (همان).

در کتاب طب الائمه (ع) به استفاده از طلسم‌ها و حرزهایی توصیه شده که مطالب مندرج در آن دارای مفهوم و معنای مشخص و متعارف نیست و چه بسا به زبان عربی نیست چنان که برای درمان بیماری توصیه می‌کند «سه برگ از درخت بکند و بر یکی بنویسد «طیسوما» بر دیگری «اوهوما» و بر سومی «ابراسوما» و در سه مرحله به آب بیندازد (همان) یا بر یک نخ پنبه‌ای فاتحه و معوذتین و سوره اخلاص را بخواند و بر آن هفت گره بزند و آن را در گردنش بیندازد (همان). همچنین کسی که شب ادراری دارد بر کاغذی این مطالب نوشته و به گردنش آویزان شود «هف هف هد هد هف هف هات هات انا له کف کف هف هفف هفف انه کریمه بنت کریمه و ولد فلان بن فلان شدت شدت بسوره سوره صفة ختمت بخاتم سلیمان بن داود لله رب العالمین» (همان) یا برای تسهیل زایمان دستور رسم شکلی خاص و نوشتن عباراتی درون شکل را ارائه می‌کند (همان).

وجود عبارات فارسی در کتاب چه به عنوان نام بیماری مثلا درمان «شب کور» یا معادل فارسی نام بیماری «عرق مدنی یقال لها بالفارسیه رشته» (همان) یا فارسی صحبت کردن پیامبر با سلمان (همان) متأثر از محل زندگی نویسنده است.

۲-۸ «الدعوات» راوندی (۵۷۳)

«الدعوات» یا «سلوة الحزین» نوشته سعید بن هبة الله، معروف به قطب الدین راوندی (۵۷۳) است. سلوة الحزین؛ یعنی دارویی که غم و اندوه را از انسان زائل می کند و انسان غمگین را به وجد و سرور و خوشحالی وامی دارد. کتاب «الدعوات» به چهار باب تقسیم شده است:

* دعاهای مربوط به بیماریها در باب سوم آمده که شامل چند فصل است؛ فصل اول درباره نماز هنگام بیماری، آداب بیمار و دعاهای هنگام بیماری (قطب الدین راوندی، ۱۴۰۷). فصل دوم، دعای بیمار، دعاهای ائمه هنگام بیمار شدن و یاد مرگ را ذکر کرده است (همان). فصل سوم درباره مداوا با تربت امام حسین (ع) و دعا و صدقه است. در این فصل روایاتی درباره لزوم مداوای بیماری، تاثیر صدقه بر درمان بیماریها و دعاهای عمومی برای درمان بیماری ذکر شده است (همان). در فصل چهارم، دعاهای مخصوص برای بیماریهای مشخص بیان شده است. دعاهایی برای سردرد، درد چشم، درد گوش و... (همان). فصل پنجم درباره آنچه بر مریض واجب است، نحوه نماز خواندن مریض، فواید خواندن برخی از سورههای قرآن و... است (همان). فصل ششم درباره عیادت مریض، وصیت کردن و حالات مریض و بخشش گناهان و استجابت دعای مریض و... است (همان).

راوندی در نقل احادیث و دعاها تنها نام راوی اصلی یا امام را ذکر می کند و اشاره ای به کتاب یا منبع روایت و یا سلسله سند ندارد. برخی گزارشها منتسب به غیر معصوم و برخی از بزرگان اهل سنت است که نشان دهنده استفاده از منابع اهل سنت است (مانند ابن عباس، ابودرداء، سلمان، لقمان، اعمش و عکرمه). برخی از دستورات العملها مربوط به نگارش دعا یا آیه ای از قرآن است بدون اینکه انتساب آن به پیامبر یا امام مشخص باشد (همان).

۲-۹. «السرائر» ابن ادريس حلی (د. ۵۹۸ق)

السرائر، کتابی فقهی - حدیثی است. ابن ادريس در بخش «کتاب الطب و الاستشفاء بالبر و فعل الخیر» به شیوه ابن براج عمل کرده و حتی عبارات کتابش نیز مشابه عبارات المهدب است (ابن ادريس، ۱۴۱۰).

۲-۱۰. کتاب‌های علی بن موسی بن طاووس (د. ۶۶۴ق)

ابن طاووس کتاب‌های دعای متعددی دارد. او در «فلاح السائل» دعا‌های ساعات مختلف یک شبانه‌روز در «جمال الاسبوع» دعا‌های ایام هفته، ماه و سال و به‌خصوص روز جمعه را گزارش کرده است. در «الدروع الواقیه» به دعا‌هایی که هر ماه تکرار می‌شود و اختصاص به ماه خاصی ندارد، مانند دعای روز اول ماه یا روز دوم پرداخته و دعا‌های اختصاصی هر ماه را در «اقبال الاعمال» ذکر کرده است. کتاب «فتح الابواب» درباره استخاره و دعا‌های هنگام استخاره تالیف شده است. سید در «المجتنی» دست به گزینش برخی دعا‌های مهم از کتب متعدد زده که از آن جمله برخی ادعیه مربوط به بیماری‌ها است. از جمله این موارد دعایی است برای مریض که بدون استناد به معصوم گزارش شده است و در نهایت تاکید می‌کند که مجرب است (ابن طاووس، ۱۴۱۲). او تعویذ حسنین علیهما السلام را از کتاب «الادعیه المرویه من الحضرة النبویه» عبدالکریم بن محمد بن مظفر سمعانی نقل می‌کند (همان)

سید بن طاووس تاکید می‌کند که کتاب «مُهَجُّ الدَّعَوَاتِ وَ مَنْهَجُ الْعِبَادَاتِ» را براساس ابواب و فصول مرتب نکرده است (ابن طاووس، ۱۴۱۴)، اما با دقت در عناوین دعاها می‌توان آن را به صورت تقریبی موضوع‌بندی کرد. کتاب مشتمل بر انواع حرزها، قنوت‌ها، تعویذها و حجاب‌های نقل شده از معصومین (ع) و دعا‌های برخی از انبیاء است. برخی از این دعاها برای درمان بیماری‌ها مانند تب، درد چشم، بیماری خنازیر و ... است. در این کتاب دعا‌های مربوط به درمان بیماری‌ها در بین دعاها و به صورت پراکنده آمده و در باب خاصی جمع نشده است.

کتاب «الأمان من أخطار الاسفار و الزمان» در مورد ادعیه سفر و آنچه در سفر لازم است مراعات شود، تالیف شده است. کتاب در ۱۳ باب و هر باب شامل چند فصل است

و درباره آداب سفر و دعاهاى آن و حرزهایی که باید همراه داشت، یارانی که باید همراهشان بود، چگونگی رفتار با همسفران، چگونگی محافظت خود از خطر و مرض و ادعیه برای مراحل مختلف سفر تالیف شده است.

باب پنجم «الأمان من أخطار الاسفار و الزمان» درباره تعویذهایی است که برای حفاظت از مسافر و چهارپایانش به کار می‌رود (ابن طاووس، ۱۴۰۹). باب یازدهم این کتاب درباره دعاهایی است برای مداوای بیماری‌هایی که ممکن است در سفر برای انسان پیش بیاید. او در این فصل به جای ذکر دعاها، کتاب «برء ساعه محمد بن زکریا رازی» را به صورت کامل گنجانده است. رازی نقل می‌کند که در محضر وزیر ابوالقاسم عبیدالله صحبت درباره بیماری‌ها شد و حاضران تاکید می‌کردند که بیماری‌ها به مرور در بدن به وجود می‌آید و از بین رفتن آن‌ها هم به مرور خواهد بود. من گفتم بعضی از بیماری‌ها ممکن است به مرور حاصل شوند اما در یک ساعت از بین می‌روند. وزیر تعجب کرد و از من خواست کتابی در این زمینه بنویسم و من این کتاب را نوشتم. او سپس بر مبنای طب سنتی درمان بیماری‌ها را ارائه می‌کند (همان).

باب دوازدهم «الأمان من أخطار الاسفار و الزمان» به تجربیات سید بن طاووس در درمان بیماری‌ها اختصاص دارد؛ فصل اول در درمان تب (نوشتن طلسم‌هایی روی کاغذهایی و شستن و نوشیدن آب آن) و فصل دوم مربوط تعویذی برای سایر بیماری‌ها است که مجرب است. خواندن یک دعا که بدون استناد به منبعی آمده، اما در کتاب‌های دیگر شبیه آن مستند به روایت ذکر شده است (همان). فصل سوم مستند به تجربه شخصی نویسنده و شامل نوشتن یک رقعہ شامل اسمی خدا است (همان). در فصل چهارم با استناد به اینکه خداوند در قرآن آب را مایه حیات و عسل را مایه شفاء دانسته، بیان می‌کند که اگر آب و عسل مخلوط شوند و یقین به تصدیق قرآن وجود داشته باشد، شفا حاصل می‌شود، انشاءالله (همان). در فصل پنجم نیز نویسنده باز هم به تجربه خودش استناد می‌کند و دعایی کوتاه نقل می‌کند که «ای خدا اگر این بیماری از باب عدل توست، باب فضل برای تو ارجح است پس ای بیماری ساکن شو و برو به حکم فضل الهی و به حکم آنچه خدا اهل آن است» (همان). در ادامه فصلی را بدون شماره آورده و می‌نویسد کسی که می‌خواهد آب و عسل را برای شفا بخورد چنین بگوید (همان).

سید بن طاووس در باب سیزدهم «الأمان من أخطار الاسفار و الزمان»، کتاب «قسطا بن لوقا یونانی» که برای ابومحمد حسن بن مخلد است و درباره تدبیر بدنش در سفر حج نوشته را به طور کامل نقل می‌کند که شامل ۱۴ باب و مبتنی بر دستورات طب سنتی است (همان).

چند نکته مهم درباره کتاب‌های ابن طاووس

ابن طاووس با نگارش کتاب در موضوعات مختلف و جمع‌آوری دعاها، نقش بسزایی در حفظ میراث دعایی شیعه داشته است و شاید به همین دلیل راه ورود بعضی از روایات ضعیف به فرهنگ دعایی شیعه نیز باز شده است. به طور طبیعی، وقتی شخصی بخواهد تنها یک کتاب دعا بنویسد دست به گزینش روایات می‌زند، اما وقتی بخواهد در هر موضوع یک کتاب بنویسد زمینه برای جمع‌آوری و نقل روایات ضعیف فراهم می‌شود.

سید بن طاووس در مواردی به انشای دعا پرداخته است و دعا‌های خود را در کتاب‌هایش نقل کرده است. کتاب‌های ابن طاووس را باید دروازه ورود معجزات به کتاب‌های دعایی شیعه نیز دانست او در موارد متعددی بیان می‌کند که دعای خاصی یا عمل خاصی را تجربه کرده و مفید بوده و آن را گزارش می‌کند.

از دیگر ویژگی کتاب‌های ابن طاووس استفاده از کتاب‌های طب سنتی در میان کتاب‌های دعا است که به نوعی کتاب‌های دعا را از حالت دعای صرف خارج کرده و آن‌ها را آمیخته با آموزه‌های طب سنتی کرده است. استفاده از منابع روایی و دعا‌های اهل سنت در کتاب‌های ابن طاووس فراوان به چشم می‌خورد.

توجه گسترده به طلسمات، تعویذها و حرزها در آثار ابن طاووس دیده می‌شود چنان که در کتاب مهج الدعوات این مساله بیشتر به چشم می‌خورد.

۲-۱۱. «عده‌الداعی»، ابن فهد حلی (د. ۸۴۱ ق)

احمد بن محمد بن فهد حلی دو کتاب در زمینه دعا نگاشت؛ یکی «الادعیه و الختوم» که متأسفانه اثری از آن باقی نمانده و اطلاعاتی از آن در دست نیست (آقابزرگ تهرانی، بی تا) و دیگری کتاب «عُدَّة الدَّاعی و نجاح الساعی».

حلی در باب پنجم «عُدَّة الدَّاعی و نجاح الساعی» فصلی را به استشفاء با دعا و استرقاء اختصاص داده که شامل چند قسم است؛ قسم اول: دعا‌هایی برای رفع بیماری‌ها، شامل

۱۰ دعا که بعضی با سند و برخی بدون سند آمده است (ابن فهد حلی، بی تا). قسم دوم: برای رفع مکروهات و امور ناپسند، شامل ۱۲ دعا برای رفع غم و اندوه، گرفتاری و خواب‌های بد، دعای طلب رزق و... (همان). قسم سوم: تعویذها، شامل ۱۱ تعویذ برای در امان ماندن از شر درندگان، حشرات، جن و... (همان).

همچنین در باب ششم «عُدَّة الدَّاعِي وَ نَجَاح السَّاعِي» که مربوط به قرآن است، فصل‌هایی درباره درمان وجود دارد از جمله سه بخش شامل، قسم اول: استشفای با قرآن برای درمان بیماری‌ها که به عنوان نمونه فقط به ۵ روایت درباره درمان برخی بیماری‌ها با قرآن اشاره می‌کند (همان). قسم دوم: استکفاء با قرآن شامل ۱۰ مورد از خواص سوره‌ها و آیات قرآن برای رفع مشکلات، گرفتاری‌ها، گشودن بخت و... (همان) و قسم سوم: خواندن قرآن برای اجابت دعا شامل ۳ روایت (همان).

۲.۱۲- مصباح کفعمی (د. ۹۰۵ ق)

ابراهیم بن علی کفعمی کتاب‌های مهم در زمینه دعا دارد. مهم‌ترین آن‌ها یکی «البلد الأمین» است که باب خاصی را به دعاهای طبی اختصاص نداده است و دیگری «جُنَّةُ الأمانِ أَلْوَقِيَّةِ وَ جُنَّةُ الإیمانِ الباقِيَّة» که به دلیل شباهت به «مصباح‌المتهجد» شیخ طوسی به «مصباح» شهرت یافته است. مولف در این کتاب به اعمال برخی ماه‌های قمری، کیفیت و آداب دعا و برخی نکات ادبی و تاریخی پرداخته است. کتاب شامل ۵۰ فصل است که بعضی از فصول آن که شامل دعاهای طبی است به این شرح است؛ فصل ۱۸ درباره ادعیه بیماری‌ها و دردها و گشایش بخت و... (کفعمی، ۱۴۰۳)، فصل ۲۱ درباره دعاهای دیون، قرض‌ها و درد چشم (همان)، فصل ۲۴ درباره استشفای با قرآن و استفاده‌های دیگر از قرآن برای رفع مشکلات در امان ماندن از بلاها و... (همان)، فصل ۲۶ درباره تعویذها (همان) و فصل ۲۷ درباره دعاهای ایمنی از سحر و شیاطین و سلاطین و... (همان).

کفعمی در نقل از کتاب‌های دعا به طور عمده به نقل‌های ابن طاووس متکی است؛ گرچه به صراحت به این امر اشاره نکرده است. وی در خاتمه فهرست منابع مورد استفاده‌اش را نقل کرده که شامل ۲۳۹ کتاب، بدون اشاره به نام مولف است (همان).

۲-۱۳. «الفصول المهمه» شیخ حر عاملی (د. ۱۱۰۴ق)

مهم‌ترین تالیف شیخ حر عاملی کتاب «وسائل الشیعه» است که موسوعه‌ای از احادیث فقهی است. شیخ حر عاملی در هر بابی که وارد می‌شود، دعاهای مستحبی را نقل می‌کند و تاکید بر دعای ماثور دارد و در نام‌گذاری ابواب به آن تاکید می‌کند؛ به عنوان مثال، باب استحباب الدعاء عند سماع اذان الصبح و المغرب بالماثور (حر عاملی، ۱۴۱۴). او هرچند در مواردی مانند قنوت نماز خواندن هر دعایی را جایز می‌داند و عنوان باب را «جواز الدعاء فی القنوت بکل ما جرى علی اللسان» انتخاب می‌کند (همان)، اما روحیه نص‌گرایی او باعث می‌شود که به کراهت اختراع دعا اشاره کرده و یک باب را به این مساله اختصاص دهد. شاید عمل او در این باب تعریضی به سید بن طاووس باشد؛ آنجا که باب «استحباب الدعاء بما جرى علی اللسان و اختیار الدعاء الماثور ان تیسر و کراهه اختراع الدعاء» را سامان می‌دهد (همان). به هر صورت شیخ حر عاملی در این کتاب به نوعی به دعاهای مربوط به علل و اسقام بی‌توجهی نشان می‌دهد و در جلد هفتم که ۶۸ باب را با عنوان ابواب‌الدعا و ۵۰ باب را با عنوان ابواب‌الذکر آورده است، اشاره‌ای به دعاهای طبی نمی‌کند (همان).

شیخ حر عاملی در جلد سوم «الفصول المهمه فی اصول الائمه (ع)» به مساله روایات طبی پرداخته و «ابواب الکلیات المتعلقة بالطب و ما یناسبها» را گنجانده است (حر عاملی، ۱۳۷۶). در باب دهم این کتاب به نقش دعا بر درمان بیماری‌ها تاکید کرده، اما تنها یک روایت از کافی در این باره نقل و اشاره کرده که روایات در این باره زیاد است. (همان). از باب ۸۰ به بعد که بیماری‌ها محور قرار می‌گیرند، بیشتر تاکید بر طب‌الائمه (ع) بوده و روایات طبی نقل شده، اما دعاهای طبی به ندرت نقل شده است.

۲-۱۴. بحارالانوار، علامه مجلسی (د. ۱۱۱۰ق)

ابواب دعا و ذکر «بحارالانوار» از جلد ۹۰ شروع می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳) و کل جلد ۹۱ و ۹۲ را شامل می‌شود. دعاهایی که اختصاص بیشتری به موضوع درمان بیماری‌ها دارد از باب ۵۹ «الدعاء لعموم الاوجاع و الرياح و خصوص وجع الراس و الشقیقه و ضربان العروق» شروع شده و سپس برای هر بیماری باب خاصی اختصاص داده شده است تا باب

۹۴ (همان). این ابواب علاوه بر ابواب متعددی است که درباره تعویذهایی برای حل مشکلات و گرفتاری‌های مختلف مانند رفع غم و غصه، یافتن گمشده، دفع شر شیاطین و جن و... نقل شده است.

علامه مجلسی در کتاب دعایی‌اش «زادالمعاد» که پیش از «مفاتیح‌الجنان» شیخ عباس قمی، معروف‌ترین کتاب معتبر ادعیه شیعه به‌شمار می‌رفته است به موضوع دعاهای طبی نمی‌پردازد.

۲- ۱۵. «مفتاح‌الجنان» منسوب به شیخ اسد الله طهرانی حائری (۱۳۳۳ ق)

مؤلف کتاب به درستی مشخص نیست، اما شیخ آقابزرگ طهرانی از قول سید یحیی، امام جماعت حرم امام رضا (ع) نقل کرده که مؤلف این اثر شیخ اسد الله طهرانی حائری (م ۱۳۳۳ ق در مشهد) است که عمری دراز داشته و حدود ۱۲۰ سال زیسته است (آقابزرگ طهرانی، بی‌تا). این کتاب پیش از نگارش «مفاتیح‌الجنان» شهرت بسیاری داشته و شالوده اصلی نگارش «مفاتیح‌الجنان» براساس این کتاب است.

«مفتاح‌الجنان» که در حاشیه «زادالمعاد» بوده همراه آن و در انتهای آن به چاپ رسیده است. کتاب بدون مقدمه و به صورت مستقیم با تعقیبات نمازها شروع می‌شود، سپس دعاهای مشهور و پس از آن زیارات نقل می‌شود (طهرانی حائری، ۲۰۱۳). پس از آن ختم‌هایی برای برآورده شدن حاجت‌ها آمده و سپس خواص آب نیسان ذکر شده (همان). بعد از آن بحث دعاهایی برای دفع بیماری‌های مختلف مانند درد گوش، شقیقه، چشم، دندان، شکم و... (همان).

در این بخش غالباً منبعی برای دعاها و روایات ذکر نشده و تنها به ذکر نام بیماری و دعای مربوط پرداخته شده است و دعاهای موجود به منابع پیشین مانند مصباح کفعمی شباهت دارد و احتمالاً از منبع یکسانی اخذ شده است. در این بخش هم گاهی دستور کشیدن شکل‌های خاص و نوشتن عبارات خاص برای درمان بیماری‌هایی مانند درد طحال (همان) و... توصیه شده است (همان).

مؤلف در خاتمه می‌نویسد که من می‌خواهم کتاب را با فضیلت صلوات بر پیامبر و آلش تمام کنم و سپس می‌نویسد: «من صلی علی مره صلی الله علیه عشر مرات و از قول بزرگان نیز صلواتی را ذکر می‌کند»؛ به نظر می‌رسد کتاب باید اینجا تمام شود، اما دوباره

بعضی مطالب مرتبط به آن الحاق شده است (همان). این مطالب شامل دعاهای ایمنی از شیاطین و جن، دزد، دفع وسوسه، فقر، ایمنی در سفر، رویت ائمه، رفع فراموشی، گشایش بخت و... آمده است (همان). در مواردی تاکید شده که این مساله از مجربات است (همان) و در بعضی از موارد به نظر می‌رسد از منابع غیرعربی استفاده شده است؛ به عنوان مثال، درباره کسی که در راه مانده و توان حرکت ندارد یا راه را گم کرده بدون استناد به منبع یا روایتی آمده که این چهار اسم را بنویسد و به پایش ببندد: «یا مضطالون، یا مستغلیثا، یا سنحاریب، یا مصطبالون» یا این اسامی را به رانش ببندد «یا اینکج یا نینکج یا کینکج». در ادامه می‌نویسد: «در بحرالمنافع^۱ ایضا آمده که کسی که این پنج اسم را با وضو بنویسد و حین نگارش سخن نگوید و بر ساقش ببندد در رفتن درمانده نمی‌شود (یا طبعوا عالج الذی یعفوا عن المدبری و گفته شده روغن عقاب و روغن جغد بر کف پایش بمالد هر چقدر هم کاروان سریع برود او باز نمی‌ماند) (همان). او دعای مجربی از کتاب المعادات ابن طاووس از امام علی (ع) نقل می‌کند که در واقع حرزی است که فواید بسیار بر آن ذکر شده و با مشک و زعفران باید بر پوست آهو بنویسد: «آهیا ادونای، سوماه بع مالح، هملوحیم ساهوبراه، اسراهینا، ادیالو، اسامای، الوهی، الشهیا سر عارام، اوراب، صغوات، صوصوباره لا» (همان).

۲- ۱۶. «باقیات الصالحات» اثر شیخ عباس قمی (۱۳۵۹ ق)

مشهورترین و رایج‌ترین تالیف شیخ عباس بن محمد رضا قمی کتاب شریف و نامدار «مفاتیح الجنان» است که آن را در مشهد مقدس و کنار بارگاه پرنور حضرت امام رضا (ع) به سال ۱۳۴۴ هـ ق تالیف کرده است. در کتاب مفاتیح الجنان شیخ عباس قمی باب خاصی به مساله دعاهای طبی اختصاص نیافته است.

«باقیات الصالحات» کتابی از شیخ عباس قمی است که به همراه «مفاتیح الجنان» و در حاشیه آن چاپ می‌شود و از این رو، ممکن است جزئی از مفاتیح الجنان تصور شود. در

۱. «بحر المنافع فی الأدعیة و الأوراد و الأعمال» تالیف المولی محمد بن أحمد المعروف بخواجکی شیخ الشیرازی نزیل دکن من بلاد الهند و مؤلف شرح الباب الحادی عشر سنة ۹۵۲ كما مرت الإشارة إليه فی شروح الكتاب المذكور (الذریعه ج ۳، ص ۴۸)

باب سوم این کتاب، دعاها و تعویذهایی برای درمان بیماری‌ها ذکر شده و بابتی به عنوان «ادعیه علل و اسقام» نام‌گذاری شده است. در باب پنجم بعضی حرزها و دعا‌های کوتاه از کتاب «المجتبی» و «مُهَجُّ الدَّعَوَات» سید بن طاووس نقل شده است.

شیخ عباس قمی با نگارش «مفاتیح‌الجنان» به پالایش کتاب‌های دعا پرداخت و بسیاری از مطالب مربوط به طلسم‌ها و حرزهای غیرمعتبر، دستورالعمل‌های طب سنتی و دعا‌های مجعول را حذف کرد و در «مفاتیح‌الجنان» ذکر نکرد. با این وصف این گام بلند در پالایش کتاب‌ها نتوانست مانع انتقاداتی نسبت به «مفاتیح‌الجنان» شود و از این رو، تلاش‌هایی در جهت رفع این ایرادات صورت گرفت؛ از جمله این تلاش‌ها می‌توان در کتاب «المصباح‌المنیر»، دید.

آیت‌الله مشکینی یکی از انگیزه‌های تالیف کتاب «المصباح‌المنیر» را رفع ایراداتی دانسته که بر کتاب‌های دعایی از جمله «مفاتیح‌الجنان» وارد شده و باعث شده قشر فهمیده و روشنفکر به آن اقبالی نشان ندهند. ایشان در این زمینه ۹ دلیل را ذکر می‌کند که از جمله آن‌ها می‌توان به بیان ثواب‌های بسیار اغراق‌آمیز برای برخی دعاها و اذکار، بیان دعاها و ذکرهای مخصوص برای درمان بیماری‌های مخصوص و... اشاره کرد (مشکینی، ۱۳۷۰ ش).

«مفاتیح نوین» تلاشی دیگر در همین راستا است. این کتاب تالیف آیت‌الله مکارم شیرازی است. چنانکه مولف در مقدمه آورده، «مفاتیح نوین» نسخه اصلاح‌شده «مفاتیح‌الجنان» بوده و با هدف رعایت تناسب با زمانه انتشار یافته و با همین رویکرد، بخش‌هایی از آن که دارای اشکال و ایراد دانسته شده، حذف شده است. مباحث مربوط به دعا‌های طبی در این کتاب تقریباً به چشم نمی‌خورد.

۳. مهم‌ترین منابع دعا‌های طبی

بر اساس آنچه گذشت بیشترین دعا‌های طبی در دوران متاخر در دو «باقیات‌الصالحات» شیخ عباس قمی و «بحار‌الانوار» علامه مجلسی جمع‌آوری شده است. از این رو، شناخت منابع مورد استفاده این دو کتاب تا حدی ما را با مهم‌ترین منابع و میزان تاثیر آن‌ها بر این کتاب‌ها آشنا خواهد کرد. آشنایی با منابع مورد استفاده علامه مجلسی چندان دشوار

نیست، چراکه ایشان در ابتدای هر دعا یا روایت منبع خود را نقل کرده است. اما یافتن منابع شیخ عباس قمی با دشواری هایی روبه‌روست؛ نخست اینکه ایشان هیچ اشاره‌ای به منبع نقل روایات نکرده و دیگر اینکه متن کتاب به زبان فارسی است. به همین دلیل تمام روایات به نوعی معادل‌سازی شده و با نرم‌افزارهای حدیثی - که نتایج آن در جدول (۱) ارائه شده - به جست‌وجوی منبع آن پرداخته شده است. علاوه بر این، تلاش شده تا منابع اصلی روایات و نه منابع واسطه استخراج شود. از این رو، اگر روایتی در مصباح کفعمی وجود دارد و در مکارم‌الاخلاق هم آمده است به طور طبیعی منبع اصلی که مکارم‌الاخلاق است، بیان شده نه مصباح که منبعی واسطه است.

جدول ۱. منابع «باقیات‌الصالحات» و «بحارالانوار»

نام منبع و تعداد نقل	نام کتاب	باقیات‌الصالحات (ملحق به مفاتیح)	بحارالانوار
طب‌الائمه (ع)	۴۰ (۳۸ درصد)	۹۹ (۳۹ درصد)	
مکارم‌الاخلاق	۳۵ (۳۳ درصد)	۸۶ (۳۴ درصد)	
کافی	۸	۵	
دعوات راوندی	۵	۸	
سایر منابع	۱۷	۵۱	
تعداد کل دعاهای طبی	۱۰۵	۲۴۹	

براساس اطلاعات جدول (۱)، «طب‌الائمه (ع)» و «مکارم‌الاخلاق» مهم‌ترین منبع دعاهای طبی مشهورترین کتاب دعایی متأخر («باقیات‌الصالحات» ملحق به «مفاتیح‌الجنان») و جامع‌ترین منبع روایی متأخر («بحارالانوار») است و بیش از ۷۰ درصد دعاهای طبی را شامل می‌شود. همچنین چنان که پیش از این در معرفی این دو منبع بیان شد، این دو کتاب از اعتبار کافی برخوردار نیستند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

اصل تاثیر دعا بر درمان بیماری‌ها اصلی مسلم و معتبر و متکی بر دلایل قرآنی - روایی و عقلی و حتی به نوعی مورد اتفاق و اجماع همه مسلمین است. معتبرترین منبع در زمینه دعاهای طبی کتاب الدعای کافی بوده که روایاتی را با سلسله سند از معصومین

گرد آورده است. کتاب طب‌الائمه (ع) حاوی بیشترین روایات و دعاهای طبی است که متاسفانه از اعتبار کافی برخوردار نیست. «مکارم‌الاخلاق» طبرسی نیز با نقل گسترده از «طب‌الائمه» باعث رواج روایات آن در میان کتاب‌های روایی شد. علاوه بر این، او روایات و نسخه‌های دعایی - طبی متعددی را از منابع نامشخص نقل کرده و به عنوان دومین منبع نقل روایات نامعتبر و برخی حرزها و طلسم‌ها شناخته می‌شود.

در آثار سید بن طاووس نقل از منابع اهل سنت و منابع غیرروایی مانند آموزه‌های طب سنتی، احکام النجوم، مجربات و دعاهای انشاء شده توسط مولف به وفور دیده می‌شود. در اواخر دوره قاجاریه و در اثر افراط در اختلاط مطالب مختلف به دعاها نیاز به اصلاح کتاب‌های دینی احساس می‌شود. شیخ عباس قمی اولین گام بلند در اصلاح کتاب‌های روایی را برداشته و تلاش می‌کند نسخه اصلاح شده و منقحی از «مفتاح‌الجنان» با عنوان «مفاتیح‌الجنان» ارائه دهد. او با تمسک به شیوه عالمان نص‌گرا به تهذیب کتاب‌های دعایی پرداخته و در بخش دعاهای طبی نیز به پیراستن دعاهای طبی از منابع غیر روایی می‌پردازد.

تغییر در سطح فهم عموم مردم و رشد سطح فهم و آگاهی عمومی از یک سو و ظهور جریان‌های نقاد دینی از سوی دیگر، باعث می‌شود انتقادات به «مفاتیح‌الجنان» نیز کشیده شود و دعاهای طبی یکی از بخش‌های مورد انتقاد بود؛ از این رو، در تلاش‌های بعدی بیشتر نقل‌های این بخش‌ها که از منابع غیرمعتبری مانند «طب‌الائمه» و «مکارم‌الاخلاق» اقتباس شده بود، حذف شد و در کتاب‌هایی مانند «المصباح‌المنیر» آیت‌الله مشکینی و «مفاتیح‌نوبین» آیت‌الله مکارم‌شیرازی این بخش‌ها یا به کلی حذف شدند و یا بسیار مختصر شده و روایات غیرمعتبر کنار گذاشته شدند.

کتاب‌های روایی به علت پابندی به اصل بحث نقل از معصوم و توجه به منبع نقل، کمتر از منابع دعایی دچار آسیب شدند و در این میان «بحارالانوار» تا حدودی با مشکل روایات ضعیف «طب‌الائمه» و «مکارم‌الاخلاق» دست به گریبان بود، اما در این کتاب نیز بسیاری از حرزها، طلسم‌ها و تعویذهایی که بر پایه علم اعداد و حروف و علوم غریبه تدوین یافته بودند، راه پیدا نکردند.

بیش از ۷۰ درصد روایات و نسخه‌های طبی - دعایی موجود در مشهورترین جوامع حدیثی و دعایی شیعه؛ یعنی «بحارالانوار» و «مفاتیح‌الجنان» (بخش «باقیات‌الصالحات») از «طب‌الائمه (ع)» و «مکارم‌الاخلاق» اخذ شده است.

بسیاری از دعاهایی که در منابع روایی یا دعایی نقل شده‌اند دارای خواص درمانی هستند، اما چون از ابتدا در ابواب دیگری نقل شده‌اند به جنبه طبی آن‌ها کمتر توجه شده است و در ابواب دعاهای طبی نقل نشده‌اند که می‌توان با جمع‌آوری آن‌ها مجموعه‌ای از دعاهای طبی معتبر را گردآوری کرد.

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

ORCID

Esmail esbati



<https://orcid.org/0000-0002-5610-1252>

منابع

- امام سجاد (ع). علی بن الحسین. (۱۴۱۸ق). صحیفه سجادیه. قم: الهادی.
- ابن ادریس حلی، محمد بن منصور. (۱۴۱۰ق). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. قم: انتشارات اسلامی.
- ابن بابویه قمی، علی. (۱۴۰۶ق). فقه‌الرضا (ع) (منسوب). قم: آل‌البیت (ع).
- ابن براج، عبدالعزیز. (۱۴۰۶ق). المهدب. قم: انتشارات اسلامی.
- ابن فهد حلی، احمد بن محمد. (بی‌تا). عمدة الداعی و نجاح الساعی. قم: مکتبه وجدانی.
- انصاری، حسن. (۱۳۸۶ش). از میراث غلات: طب‌الائمه منسوب به پسران بسطام. بررسی‌های تاریخی، ۲۷ آبان.
- آقا بزرگ تهرانی. (بی‌تا). الذریعه الی تصانیف الشیعه. بیروت: دار‌الأضواء.
- برقی، أحمد بن محمد بن خالد. (۱۳۳۰ش). المحاسن. تهران: دار‌الکتب‌الاسلامیه.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴). وسائل‌الشیعه. قم: موسسه آل‌البیت (ع).
- _____ . (۱۳۷۶ش). الفصول المهمه فی اصول‌الائمه. قم: موسسه معارف اسلامی امام رضا (ع).
- سید بن طاووس، علی بن موسی. (۱۴۱۲). المجتبی من دعاء‌المجتبی. تحقیق صفاء‌الدین صبری. مشهد: بی‌نا.

- _____ - _____ . (۱۴۰۹ق). *الأمان من أخطار الاسفار والزمان*. قم: آل البيت (ع).
- _____ . (۱۴۱۴ق). *مهج الدعوات و منهج العبادات*. بیروت: موسسه اعلمی.
- شیخ عباس قمی. (۱۳۸۵ش)، *باقیات الصالحات*. چاپ شده در حاشیه کتاب *مفاتیح الجنان*. قم: انتشارات عزیزی.
- _____ . (۱۳۸۵ش). *مفاتیح الجنان*. قم: انتشارات عزیزی.
- طباطبایی، سید محمد کاظم. (۱۳۹۰ش). *تاریخ حدیث شیعہ (۲) عصر غیبت*. قم: دارالحدیث.
- طبرسی، حسن بن فضل. (۱۳۹۲ق). *مکارم الاخلاق*. ج ۶. قم: منشورات الشریف الرضی.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۱). *مصباح المتعجل*. بیروت: موسسه فقه الشیعہ.
- _____ . (۱۴۱۷ق). *الفهرست، تحقیق: جواد قیومی*. قم: نشر الفقاهه.
- طهرانی حائری، شیخ اسدالله. (۲۰۱۳م). *مفتاح الجنان*. چاپ شده به همراه زادالمعاد علامه مجلسی. بیروت: اعلمی.
- عبد الله و حسین بن بسطام. (۱۴۱۱ق). *طب الاثمه (ع)*. قم: انتشارات رضی.
- قطب‌الدین راوندی، سعید بن هبه الله. (۱۴۰۷). *الدعوات (سلوه الحزین)*. قم: مدرسه الإمام المهدی (ع).
- کفعمی، تقی‌الدین ابراهیم بن علی. (۱۳۸۳). *بلد الامین*. تهران: کتابخانه شیخ صدوق.
- _____ . (۱۴۰۳ق). *جنة الأمان الواقية و جنة الايمان الباقية، المشتهر بالمصباح*. بیروت: الأعلمی.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۳ش). *کافی، تصحیح علی‌اکبر غفاری*. ج ۵. تهران: دارالکتب الاسلامیة.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*. بیروت: الوفاء.
- _____ . (۱۴۳۴). *زاد المعاد*. تعریب و تعلیق علاء‌الدین اعلمی. بیروت: اعلمی.
- مشکینی، علی. (۱۳۷۰ش) *المصباح المنیر*. قم: الهادی.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۹۵ش). *مفاتیح نوین*. قم: انتشارات امام علی (ع).
- مهریزی طرقی، مهدی و فتحی اکبرآبادی، جواد. (۱۳۹۶). *بررسی و تحلیل سندی احادیث طبی بحار الانوار بر اساس جلد ۵۹ حدیث پژوهی*، (۱۷)، ۹، ۱۹۸-۲۰۲.
- نجاشی، احمد بن علی (۱۴۱۶ش). *رجال النجاشی*. قم: انتشارات اسلامی.
- نفیسی، شادی. (۱۳۸۹ش). *درایة الحدیث (باز پژوهی مصطلحات حدیثی در نگاه فریقین)*. تهران: سمت و دانشگاه قرآن و حدیث.

References

- Imam Sajjad. (AS). Ali Ibn Al-Hussein. (1997). Sahifeh-sajadieh. Qom: Al-Hadi. [In Arabic]
- Ibn Idris Hali, Muhammad ibn Mansour. (1989 AH). Al-Sarair Al-Hawi le tahrir Al- fatwas. Qom: Islamic Publications. [In Arabic]
- Ibn Babawiyah Qomi, Ali. (1985 AH). Fiqh al-Reza. (AS). (attributed). Qom: Al Al- bayt. (AS). [In Arabic]
- Ibn Baraj, Abdul Aziz. (1985 AH). Al-mohazzab. Qom: Islamic Publications.
- Ibn Fahd Hali, Ahmad Ibn Muhammad. (No date). Odat Al-daei. Qom: School of Conscience, Qom. [In Arabic]
- Ansari, Hassan. (2007). From the heritage of grains: Al-Imam's medicine attributed to Bastam's sons, historical studies, 27 Aban. [In Persian]
- Agha Bozorg Tehrani. (No date). Al-Dari'ah ela Tasanif al-Shi'ah. Beirut: Dar Al-Azwa. [In Arabic]
- Barqi, Ahmad bin Muhammad bin Khalid. (1951). Al-mahasen. Tehran: Islamic Library. [In Arabic]
- Horr Al- Ameli , Muhammad bin Hassan. (1993). Vasael Al-Shieh . Qom: Al Al-Bayt Institute. (AS). [In Arabic]
- _____. (1997). Al-fosuol Al-mohemah fi Osuol Al-aemeh. Qom: Institute of Islamic Studies Imam Reza. (AS). [In Arabic]
- Sayyid ibn Tawus, Ali ibn Musa. (1991). Al-Mujtani min doa Al - mojtaba. Investigation of Safauddin Sabri. Mashhad: (Untitled). [In Arabic]
- _____. (1988). Al- Aman min akhtar Al-asfar va Al- zaman. Qom: Al Al-Bayt. (AS). [In Arabic]
- _____. (1993 AH). Mohaj Al-daawat va manhaj Al- ebadat. Beirut: Scientific Institute. [In Arabic]
- Sheikh Abbas Qomi. (2006). Bagheyat Al-Salehat . Published in the margins of the book Mafatiha al-Jannan. Qom: Azizi Publications. [In Persian].
- _____. (2006)Mafatih al-Jannan. Qom: Azizi Publications. [In Persian]
- Tabatabai, Seyed Mohammad Kazem. (2011). History of Shiite Hadith. (2). The Asr e ghaybat . Qom: Dar al-Hadith. [In Persian]
- Tabresi, Hassan Ibn Fadl. (1972). Makarem al-Akhlaq, Qom: Al-Sharifa Al-Razi Publications. [In Arabic]

- Tusi, Muhammad ibn Hassan. (1990). Mesbah Al- motahajed. Beirut: Institute of Shiite Jurisprudence. [In Arabic]
- _____ . (1996 AH). Al-fehrest, research: Javad Qayyumi. Qom: Publication of jurisprudence. [In Arabic]
- Tehrani Haeri, Sheikh Assadollah. (2013). Meftah Al-jenan. Published with Zad Al-Ma'ad Allameh Majlisi. Beirut: Al-alami. [In Arabic]
- Abdullah and Hussein bin Bastam. (1990)Teb Al-Aemeh. (as). Qom: Razi Publications. [In Arabic]
- Qutb Al-ddin Ravandi, Saeed bin Hebat Allah. (1986). Al-daawat. Qom: Madrasa of Imam Al-Mahdi. (AS). [In Arabic]
- Kafami, Taqi al-Din Ibrahim bin Ali. (2004). Balad Al-amin. Tehran: Sheikh Sadough Library. [In Arabic]
- _____ . (1982). Jonnah Al-aman Al-vaghiiah , known as the Al-mesbah . Beirut: Al-alamy. [In Arabic]
- Koleaini, Muhammad ibn Ya`qub. (1984). Al-kafi, correction by Ali Akbar Ghaffari. Ch 5. Tehran: Islamic Library. [In Arabic]
- Majlisi, Mohammad Baqir. (1982). Bahar Al-anvar. Beirut: Al-Wafa. [In Arabic]
- _____ . (2012). Zad Al-maad Interpretation and suspension of Ala AL-ddin Alami. Beirut: Al-alamy [In Arabic]
- Meshkini, Ali. (1991). Al-mesbah Al-monir . Qom: Al-Hadi. [In Persian]
- Makarem Shirazi, Nasser. (2016). Mafatih novin . Qom: Imam Ali Publications. [In Persian]
- Mehrzi-Toroghi, Mehdi and Fathi Akbarabadi, Javad. (2017). Documentary analysis of Bahar Al-anvar medical hadiths based on volume 59, Hadith research, publication number. (ninth year / seventeenth period), 198-202. [In Persian]
- Najashi, Ahmad ibn Ali. (1995). Rejal Al-najashi. Qom: Islamic Publications. [In Arabic]
- Nafisi, Shady. (2010). The knowledge of hadith. (re-examination of hadith terms in the view of the sects). Tehran: Samt and University of Quran and Hadith. [In Persian]

استناد به این مقاله: اسماعیل، (۱۳۹۹). منبع شناسی و اعتبارسنجی دعاهاى طبی. سراج منیر، ۱۱(۳۹)، ۹.

Doi: 10.22054/ajsm.2021.60791.1700 ۳۴



Journal of Seraje Monir is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.